
بررسی نقش طراحی آزمون های عادلانه در بهبود فرصت های یادگیری در دوره تحصیلی ابتدایی

مهشاد محمدی بلبان آباد^۱ شرمینه نخست لطفی^۲

۱. کارشناسی مترجمی زبان دانشگاه شهرکرد

۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه پیام نور پردیس

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش محوری طراحی آزمون های عادلانه و دسترسی پذیر در ارتقای فرصت های یادگیری و بهبود کیفیت آموزش در مقطع ابتدایی تدوین شده است. در نظام های آموزشی نوین، آزمون دیگر تنها ابزاری برای رتبه بندی دانش آموزان نیست، بلکه به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از فرآیند یادگیری نگریسته می شود که باید عدالت آموزشی را در بطن خود متجلی سازد. این مطالعه با روش مروری و با استناد به منابع معتبر داخلی و بین المللی، به تحلیل این موضوع می پردازد که چگونه طراحی هوشمندانه سوالات، استفاده از ابزارهای بصری و اعمال اصلاحات متناسب با نیازهای دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری یا تفاوت های زبانی، می تواند شکاف های آموزشی را به حداقل برساند. یافته ها نشان می دهد که آزمون های عادلانه که بر پایه اصول طراحی همگانی (UDL) استوار هستند، نه تنها روایی و پایایی سنجش را افزایش می دهند، بلکه با فراهم آوردن بازخوردهای اصلاحی دقیق، انگیزش و مشارکت یادگیرندگان را تقویت می کنند. همچنین، نقش تسهیلات آموزشی و توانمندی های حرفه ای معلمان در اجرای این آزمون ها مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که بهبود فرصت های یادگیری در گرو انتقال از سنجش های صلب و سنتی به سمت ارزشیابی های منعطفی است که تفاوت های فردی را به رسمیت می شناسند. در نهایت، پیشنهادهایی جهت سیاست گذاری در حوزه نظام های ارزشیابی و تجهیز مدارس به زیرساخت های لازم برای اجرای سنجش های عادلانه ارائه شده است تا از این طریق، تعالی تحصیلی برای تمامی دانش آموزان، فارغ از محدودیت های جسمی یا فرهنگی، محقق گردد.

کلیدواژه ها: طراحی آزمون عادلانه، فرصت های یادگیری، دوره ابتدایی، عدالت آموزشی، ارزشیابی توصیفی.

مقدمه

دوران ابتدایی به عنوان حیاتی ترین مرحله در مسیر تحولی هر انسان، بستری است که در آن بذر علاقه به دانش، مهارت های پایه ای و هویت اجتماعی یادگیرندگان شکل می گیرد. در این میان، سنجش و ارزشیابی به عنوان ابزاری جهت رصد این رشد، همواره نقشی تعیین کننده در تعیین مسیر آینده تحصیلی دانش آموزان ایفا کرده است (ناطق و همکاران، ۱۳۹۰). با این حال، پارادایم های سنتی سنجش که بر پایه آزمون های استاندارد "یکسان برای همه" استوار بودند، امروزه با چالش های جدی روبرو گشته اند، چرا که این آزمون ها اغلب تفاوت های فردی، زبانی و فرهنگی را نادیده می گیرند (ووسمن، ۲۰۰۵). مفهوم عدالت در آموزش، امروزه فراتر از دسترسی فیزیکی به مدرسه تعریف می شود و شامل حق هر دانش آموز برای سنجیده شدن با ابزاری است که توانمندی های واقعی او را بدون سوگیری های محیطی منعکس کند (آبیدین، ۲۰۲۱). طراحی آزمون های عادلانه در واقع تلاشی برای دموکراتیزه کردن فرآیند سنجش و تبدیل آن به فرصتی برای یادگیری است.

اهمیت طراحی آزمون های دسترسی پذیر زمانی روشن تر می شود که به تنوع دانش آموزان در کلاس های درس امروزی بنگریم؛ جایی که کودکان با نیازهای ویژه، دانش آموزان دوزبانه و یادگیرندگان با سبک های شناختی متفاوت در کنار هم حضور دارند (کتلر و همکاران، ۲۰۱۸). اگر ابزار سنجش تنها برای یک گروه خاص طراحی شده باشد، سایر گروه ها عملاً از فرصت نشان دادن دانش خود محروم می شوند و این امر مستقیماً با اصول بنیادین حقوق کودک در آموزش در تضاد است (کوری و همکاران، ۲۰۱۹). طراحی آزمون عادلانه به معنای ساده سازی محتوا نیست، بلکه به معنای حذف موانع غیرمرتبط با موضوع سنجش است تا دانش آموز بتواند با تمرکز بر محتوا، دانش خود را بروز دهد (کاونا، ۲۰۱۷). این رویکرد، عدالت را در قلب فرآیند یاددهی-یادگیری نهادینه کرده و از بازتولید نابرابری های اجتماعی در محیط مدرسه جلوگیری می کند.

در نظام آموزشی ایران، گذار به سمت ارزشیابی توصیفی گامی مثبت در جهت کاهش فشارهای ناشی از نمره و توجه به فرآیند رشد بوده است، اما هنوز در طراحی ابزارهای این ارزشیابی با چالش های فنی روبرو هستیم (فتحی، ۱۴۰۰). معلمان به عنوان عاملان اصلی در صحنه کلاس، نیازمند دانش تخصصی در زمینه چگونگی اصلاح آزمون ها و ارائه بازخوردهای سازنده هستند تا بتوانند به بهبود کیفیت آموزش کمک کنند (سهرابی، ۱۴۰۱). بازخوردهایی که از دل یک آزمون عادلانه استخراج می شوند، به دلیل دقت در شناسایی ریشه های مشکلات دانش آموز، تأثیر شگرفی بر پیشرفت تحصیلی آن ها

دارند (ایزدی، ۱۴۰۱). در واقع، طراحی سنجش عادلانه پیوندی ناگسستنی با بهبود فرصت‌های یادگیری دارد و به عنوان قطب‌نمایی برای هدایت فعالیت‌های تربیتی عمل می‌کند.

با توجه به تغییرات شگرف در تکنولوژی و ظهور ابزارهای نوین بصری، فرصت‌های بی‌نظیری برای تغییر در ساختار آزمون‌ها فراهم شده است که می‌تواند عدالت آموزشی را در سطح خرد و کلان ارتقا دهد (سولانو-فلورس و همکاران، ۲۰۱۴). تجهیز مدارس به امکانات فیزیکی و آزمایشگاهی مناسب، زمینه‌ساز اجرای آزمون‌های عملکردی و تجربی است که بسیار عادلانه‌تر از آزمون‌های مداد-کاغذی صرف هستند (چیکونگا، ۲۰۱۷). ضرورت دارد که سیاست‌گذاران آموزشی با درک اهمیت این موضوع، به سمت تدوین اسنادی حرکت کنند که هویت حرفه‌ای معلمان را در مسیر طراحی سنجش‌های عادلانه تقویت نماید (کانگاس و هارجو-لوکاینن، ۲۰۲۱). این مقاله با نگاهی تحلیلی به منابع موجود، در صدد است تا نقش راهبردی طراحی آزمون‌های عادلانه را در شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان ابتدایی تبیین نموده و راهکارهای عملیاتی برای بهبود این فرآیند ارائه دهد (ناس و همکاران، ۲۰۲۰).

بیان مسئله

مسئله اصلی در بسیاری از مدارس ابتدایی، وجود سوگیری‌های نهفته در ابزارهای سنجش است که منجر به ارائه تصویری غیرواقعی از توانمندی‌های دانش‌آموزان و در نتیجه محدود شدن فرصت‌های یادگیری آن‌ها می‌گردد. آزمون‌های استاندارد سنتی اغلب با فرض وجود یک دانش‌آموز "متوسط" طراحی می‌شوند، در حالی که چنین دانش‌آموزی در واقعیت وجود ندارد و هر کودک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است (کتلر و همکاران، ۲۰۱۸). این آزمون‌ها در بسیاری از موارد به جای سنجش دانش علمی، مهارت‌های زبانی، فرهنگی یا سرعت عمل دانش‌آموز را می‌سنجند که این موضوع باعث می‌شود گروه‌های آسیب‌پذیر همواره نمرات پایین‌تری کسب کنند (ووسمن، ۲۰۰۵). این نابرابری در سنجش، منجر به برچسب‌زنی به دانش‌آموزان و کاهش انگیزه آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی می‌شود.

در نظام آموزشی ایران، علیرغم اجرای طرح ارزشیابی توصیفی، هنوز درک واحدی میان معلمان درباره چگونگی طراحی آزمون‌های عملکردی عادلانه وجود ندارد و بسیاری به روش‌های سنتی بازمی‌گردند (حسینی و کیامنش، ۱۳۸۷). معلمان در کلاس‌های پرجمعیت با محدودیت زمان روبرو هستند و این امر باعث می‌شود که طراحی آزمون‌های اختصاصی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه یا تفاوت‌های زبانی به حاشیه رانده شود (فتحی، ۱۴۰۰). فقدان راهنماهای عملی و تخصصی در زمینه چگونگی اعمال اصلاحات در آزمون‌ها، باعث شده است که عدالت آموزشی تنها در سطح شعار باقی بماند و در

عمل محقق نشود (ایزدی، ۱۴۰۱). این موضوع باعث می شود که نتایج حاصل از ارزشیابی ها، مبنای درستی برای بازخورد دادن و بهبود تدریس قرار نگیرند.

از سوی دیگر، زیرساخت های آموزشی و تسهیلات مدرسه به طور ناعادلانه ای توزیع شده اند که این امر بر نوع و کیفیت آزمون های برگزار شده تأثیر مستقیم می گذارد (چپکونگا، ۲۰۱۷). در مدرسه ای که فاقد ابزارهای بصری، تبلت های آموزشی یا محیط های آزمایشگاهی است، معلم ناچار به استفاده از آزمون های متنی صرف است که برای بسیاری از دانش آموزان ابتدایی (به ویژه دوزبانه ها) دشوار است (سولانو-فلورس و همکاران، ۲۰۱۴). این موانع فیزیکی و محتوایی باعث می شود که دانش آموزان نتوانند رشد مفهومی خود را به درستی نشان دهند و در نتیجه از فرصت های آموزشی بعدی محروم بمانند (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). عدم توجه به طراحی فراگیر در سنجش، منجر به هدررفت سرمایه های انسانی در مناطق محروم و در میان گروه های خاص می شود.

همچنین، چالش بزرگی در زمینه روایی و پایایی آزمون ها در مواجهه با اصلاحات^۱ وجود دارد؛ معلمان نگرانند که تغییر در فرمت آزمون، ماهیت آن را تغییر دهد (کائونا، ۲۰۱۷). این تردیدهای حرفه ای ناشی از نبود آموزش های تخصصی در دوران تربیت معلم و ضمن خدمت است که هویت حرفه ای آن ها را در زمینه سنجش عادلانه تضعیف کرده است (کانگاس و هارجو-لوکاینن، ۲۰۲۱). بازخوردهایی که معلمان به تکالیف و رفتارهای دانش آموزان می دهند، اغلب بدون در نظر گرفتن این نابرابری های سنجشی ارائه می شود که خود می تواند به بروز رفتارهای ناهنجار آموزشی دامن بزند (نگهداری و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، مسئله تحقیق حاضر، تبیین دقیق ضرورت و چگونگی طراحی آزمون های عادلانه به عنوان کلید طلایی گشایش فرصت های جدید یادگیری برای تمامی فرزندان این مرز و بوم است (آبیدین، ۲۰۲۱).

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پرداختن به طراحی آزمون های عادلانه در دوره ابتدایی از آنجا ناشی می شود که هرگونه قضاوت نادرست در این مقطع، می تواند منجر به تغییر جهت دائمی در سرنوشت تحصیلی کودک شود. طراحی عادلانه سنجش، تضمین کننده این حق است که هر دانش آموز، صرف نظر از پس زمینه اقتصادی، اجتماعی یا جسمی، فرصتی برابر برای درخشش و دیده

^۱ Accommodations

شدن داشته باشد (آبیدین، ۲۰۲۱). ضرورت این پژوهش در شناسایی و تبیین استانداردهایی است که آزمون را از یک ابزار میج گیری به یک نقشه راه برای یادگیری تبدیل می کنند (کنتر و همکاران، ۲۰۱۸). در جهانی که به سمت عدالت اجتماعی حرکت می کند، نظام آموزشی نمی تواند نسبت به سوگیری های ابزارهای سنجش خود بی تفاوت بماند و نیازمند بازنگری بنیادین در این حوزه است.

علاوه بر این، ضرورت ارتقای کیفیت آموزش در گرو داشتن داده های معتبر از یادگیری دانش آموزان است که تنها از طریق آزمون های عادلانه به دست می آید (ووسمن، ۲۰۰۵). اگر نتایج آزمون تحت تأثیر عواملی غیر از دانش دانش آموز باشد، بازخوردهایی که معلم ارائه می دهد نیز بیراهه خواهد رفت و منابع آموزشی به درستی تخصیص نخواهند یافت (ایزدی، ۱۴۰۱). اهمیت تحقیق حاضر در این است که نشان می دهد چگونه با استفاده از طراحی همگانی و اصلاحات ساختاری، می توان دقت سنجش را بالا برد و روایی آن را تضمین کرد (کاون، ۲۰۱۷). این موضوع نه تنها به نفع دانش آموزان با نیازهای ویژه، بلکه به نفع تمامی دانش آموزان است، زیرا آزمون های دسترسی پذیر برای همگان شفاف تر و گویا تر هستند.

از منظر حقوقی و اخلاقی، ضرورت دارد که مدارس ابتدایی به سمت مشارکت حداکثری دانش آموزان در فرآیندهای یادگیری و سنجش حرکت کنند (کوری و همکاران، ۲۰۱۹). آزمون های عادلانه با کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس، سلامت روان دانش آموزان را تضمین کرده و مانع از سرخوردگی تحصیلی آن ها در سال های آغازین مدرسه می شوند (ناطق و همکاران، ۱۳۹۰). ضرورت توجه به تسهیلات و امکانات یادگیری نیز در این میان برجسته است، چرا که طراحی عادلانه بدون ابزارهای مناسب (نظیر تصاویر پشتیبان یا تکنولوژی های کمکی) غیرممکن است (چپکونگا، ۲۰۱۷). این پژوهش بر آن است تا سیاست گذاران را متقاعد کند که سرمایه گذاری بر روی طراحی سنجش، سرمایه گذاری بر روی تحقق واقعی عدالت آموزشی است.

در نهایت، اهمیت این پژوهش در تقویت هویت حرفه ای معلمان به عنوان طراحان یادگیری نهفته است تا آن ها بتوانند با قدرت و تخصص بیشتری در زمینه سنجش عمل کنند (کانگاس و هارجو-لوکاینن، ۲۰۲۱). ارائه راهکارهای عملیاتی برای طراحی آزمون هایی که رشد مفهومی دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری را تسهیل می کنند، یک ضرورت انسانی و علمی است (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه نظام آموزشی ما در حال تجربه گذارهای مهمی در حوزه ارزشیابی است، این پژوهش می تواند به عنوان مبنایی برای تدوین پروتکل های جدید طراحی سوالات امتحانی مورد استفاده قرار گیرد. تحقق فرصت های برابر یادگیری، تنها با شعار ممکن نیست و نیازمند ابزارهای دقیق، منصفانه و دسترسی پذیر است که در این مقاله مورد واکاوی قرار می گیرند (سولانو-فلورس و همکاران، ۲۰۱۴).

تعاریف و مبانی نظری

طراحی آزمون های عادلانه و دسترسی پذیر

طراحی آزمون عادلانه^۲ به فرآیندی اطلاق می شود که در آن تمامی مراحل تولید، اجرا و نمره گذاری آزمون با هدف به حداقل رساندن سوگیری ها و فراهم آوردن فرصت برابر برای تمامی دانش آموزان انجام می گیرد. این متغیر بر پایه اصول طراحی جهانی برای سنجش^۳ استوار است که بر سادگی، شفافیت، و انعطاف پذیری ابزار سنجش تأکید دارد (کتلر و همکاران، ۲۰۱۸). دسترسی پذیری (Accessibility) در اینجا به معنای آن است که ویژگی های فیزیکی، زبانی و شناختی آزمون نباید مانعی برای بروز دانش واقعی یادگیرنده باشد (کاونا، ۲۰۱۷). در مبانی نظری، طراحی عادلانه نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای تضمین "روایی" آزمون است؛ چرا که آزمونی که برای گروهی خاص ناعادلانه باشد، در واقع در حال سنجش متغیرهای مزاحم است.

نظریه سنجش دسترسی پذیر بر این باور است که تفاوت های فردی نباید منجر به محرومیت از موفقیت شوند و این وظیفه سیستم است که ابزار خود را اصلاح کند (کتلر و همکاران، ۲۰۱۸). این متغیر شامل چندین مولفه اصلی از جمله اصلاحات، تغییرات در فرمت^۴ و استفاده از ابزارهای کمکی^۵ است که هر کدام برای پاسخگویی به نیازهای خاص طراحی می شوند. به عنوان مثال، استفاده از تصاویر به عنوان پشتیبان بصری در سوالات ریاضی برای دانش آموزان دوزبانه، نمونه ای از طراحی عادلانه است که مانع زبانی را از بین می برد (سولانو-فلورس و همکاران، ۲۰۱۴). مبانی نظری این حوزه بر این نکته تأکید دارند که این اصلاحات نباید سختی آزمون را کاهش دهند، بلکه باید "مسیر دسترسی" به سوال را هموار سازند.

^۲ Fair Test Design

^۳ Universal Design for Assessment

^۴ Modifications

^۵ Assistive Tools

در دوره ابتدایی، طراحی آزمون عادلانه باید با ویژگی‌های تحولی کودکان هماهنگ باشد؛ یعنی از زبان ساده، فونت‌های مناسب و ساختار بصری جذابی استفاده کند که از بار شناختی اضافی بکاهد (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). این نوع طراحی، اضطراب آزمون را کاهش داده و به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا تمام پتانسیل خود را به کار گیرد که این خود منجر به بهبود پیشرفت تحصیلی می‌گردد (ناطق و همکاران، ۱۳۹۰). از منظر مدیریت آموزشی، طراحی عادلانه نیازمند توانمندی‌های حرفه‌ای بالایی در معلمان است تا بتوانند اهداف یادگیری را از شیوه‌های پاسخگویی تفکیک کنند (سهرابی، ۱۴۰۱). بدین ترتیب، طراحی آزمون به یک فعالیت هنری و علمی تبدیل می‌شود که در آن عدالت به زیباترین شکل ممکن تجلی می‌یابد.

همچنین، ارزشیابی‌های بین‌المللی نظیر تیمز و پرلز نشان داده‌اند که کیفیت طراحی سوالات در سطح ملی می‌تواند بر رتبه علمی کشورها تأثیر بگذارد (ووسمن، ۲۰۰۵). در ایران، نقد بر نظام‌های ارزشیابی بدون نمره نشان می‌دهد که اگر طراحی سوالات و ابزارهای سنجش کیفی دقیق نباشد، ممکن است کیفیت آموزش آسیب ببیند (فتحی، ۱۴۰۰). بنابراین، مبانی نظری طراحی عادلانه بر پیوند میان "دقت فنی" و "انصاف اخلاقی" تأکید دارند تا نتایج حاصل از سنجش، پایه‌ای معتبر برای بازخورد و مداخلات آموزشی باشند (ایزدی، ۱۴۰۱). طراحی عادلانه آزمون، در واقع ایجاد زبانی مشترک میان معلم و تمامی دانش‌آموزان کلاس است، فارغ از اینکه آن‌ها در چه سطحی از توانایی قرار دارند (آبیدین، ۲۰۲۱).

فرصت‌های یادگیری و کیفیت آموزشی

فرصت‌های یادگیری^۶ به مجموعه‌ای از شرایط فیزیکی، پداگوژیک و نهادی گفته می‌شود که به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا به اهداف برنامه درسی دست یابد و پتانسیل‌های خود را شکوفا کند. این متغیر شامل دسترسی به معلمان مجرب، محتوای آموزشی غنی، زمان کافی برای یادگیری و ابزارهای سنجش منصفانه است (چپکونگا، ۲۰۱۷). کیفیت آموزشی نیز برآیند این فرصت‌هاست که در آن دانش‌آموز نه تنها دانش را کسب می‌کند، بلکه مهارت‌های زندگی و تفکر انتقادی را نیز پرورش می‌دهد (آبیدین، ۲۰۲۱). مبانی نظری این حوزه بر این نکته تأکید دارند که فرصت یادگیری زمانی واقعی است که "دسترس" با "عدالت" همراه باشد؛ یعنی هر دانش‌آموز متناسب با نیاز خود از منابع بهره‌مند شود.

^۶ Opportunities to Learn - OTL

تسهیلات یادگیری و امکانات فیزیکی مدارس، زیربنای اصلی ایجاد فرصت‌های یادگیری در مقطع ابتدایی هستند (چپکونگا، ۲۰۱۷). در مدرسه‌ای که فاقد کتابخانه، آزمایشگاه و اینترنت است، فرصت‌های یادگیری محدود به کتاب درسی می‌شود که این خود نوعی بی‌عدالتی آموزشی است. کیفیت آموزش همچنین به شدت به توانایی معلمان در ارائه بازخوردهای اصلاحی و رفتاری بستگی دارد؛ بازخوردی که به دانش‌آموز کمک کند تا مسیر رشد خود را پیدا کند (نگهداری و همکاران، ۱۴۰۱). مبانی نظری نشان می‌دهند که میان کیفیت بازخوردهای کلاسی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (ایزدی، ۱۴۰۱). از این رو، فرصت یادگیری بدون سیستم بازخورد کارآمد، ناقص خواهد بود.

یکی دیگر از ابعاد نظری این متغیر، حق مشارکت دانش‌آموزان در فرآیندهای آموزشی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به یادگیری خودشان است (کوریا و همکاران، ۲۰۱۹). زمانی که دانش‌آموز حس کند در کلاس درس عاملیت دارد و نظرات او شنیده می‌شود، اشتیاق او برای یادگیری افزایش یافته و کیفیت آموزش ارتقا می‌یابد (کانگاس و هارجو-لوکاپین، ۲۰۲۱). طراحی آموزشی فراگیر که به دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری اجازه می‌دهد از طریق راهنماهای تجربی و آزمایشگاهی بیاموزند، نمونه‌ای عالی از گسترش فرصت‌های یادگیری است (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). کیفیت آموزش بدین معناست که سیستم آموزشی باید خود را با نیازهای دانش‌آموز وفق دهد، نه اینکه دانش‌آموز را مجبور به انطباق با یک ساختار صلب و ناکارآمد نماید.

در سطح کلان، نظام‌های ارزشیابی و آزمون‌های مرکزی تأثیر مستقیمی بر توزیع فرصت‌های یادگیری در میان اقشار مختلف جامعه دارند (ووسمن، ۲۰۰۵). اگر آزمون‌ها ناعادلانه طراحی شوند، دانش‌آموزان مستعد در مناطق محروم از فرصت‌های ورود به مراحل بالاتر تحصیلی باز می‌مانند که این امر منجر به کاهش کیفیت کلی نیروی انسانی در جامعه می‌شود. نقد نظام ارزیابی تحصیلی ایران نیز بر این نکته تأکید دارد که باید به سمت مدل‌هایی حرکت کرد که فرصت‌های برابر را برای تمامی یادگیرندگان تضمین کنند (حسنی و کیامنش، ۱۳۸۷). بنابراین، بهبود کیفیت آموزش از مسیر بازتعریف فرصت‌های یادگیری و پیوند زدن آن‌ها با سنجش‌های عادلانه می‌گذرد تا هر دانش‌آموز بتواند در حد اعلا توان خود، شکوفا گردد (سهرابی، ۱۴۰۱).

یافته‌ها

تحلیل سوگیری‌های آزمون و تأثیر آن بر نابرابری فرصت‌ها

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که آزمون‌های استاندارد متنی در بسیاری از موارد به جای سنجش محتوا، مهارت‌های خواندن و درک مطلب زبان رسمی را می‌سنجند که این موضوع برای دانش‌آموزان دوزبانه یا دانش‌آموزان با ناتوانی‌های

یادگیری، مانعی بزرگ محسوب می شود (کتلر و همکاران، ۲۰۱۸). زمانی که صورت سوال طولانی و پیچیده است، دانش آموز ممکن است با وجود تسلط بر مفهوم علمی، به دلیل عدم درک کلامی نتواند پاسخ درست را ارائه دهد (سولانو-فلورس و همکاران، ۲۰۱۴). این "بار شناختی غیرمرتبط" باعث می شود که دانش آموزان این گروه ها در رتبه بندی های کلاسی عقب بمانند و در نتیجه از فرصت های تشویقی و آموزشی بعدی محروم شوند. در جدول زیر، انواع سوگیری های رایج در طراحی آزمون و اثرات آن ها بر فرصت های یادگیری خلاصه شده است.

جدول ۱: انواع سوگیری در طراحی آزمون و پیامد آموزشی آن ها

نوع سوگیری	مثال اجرایی	پیامد برای فرصت یادگیری
سوگیری زبانی	استفاده از واژگان دشوار یا ساختارهای نحوی پیچیده در سوالات ریاضی.	محرومیت دانش آموزان دوزبانه از نشان دادن توانایی ریاضی.
سوگیری فرهنگی	استفاده از مثال هایی که تنها برای ساکنان شهرها یا طبقه خاص ملموس است.	بیگانگی دانش آموزان روستایی و عشایری با محتوای آزمون.
سوگیری فرمتی	فشاردگی بیش از حد سوالات و فونت ریز در برگه های امتحانی.	ایجاد مانع برای دانش آموزان با اختلالات بینایی یا نقص توجه.
سوگیری زمانی	در نظر گرفتن زمان بسیار محدود برای پاسخگویی به سوالات تحلیلی.	نادیده گرفتن دانش آموزانی که با عمق زیاد اما سرعت کم فکر می کنند.
سوگیری ابزاری	تکیه صرف بر آزمون مداد-کاغذی و حذف آزمون های عملی.	تضعیف فرصت رشد برای دانش آموزان با هوش های حرکتی و تجربی.

یافته ها حاکی از آن است که طراحی عادلانه آزمون از طریق حذف این سوگیری ها، روایی سنجش را تا ۴۰ درصد افزایش داده و منجر به ارائه تصویر دقیق تری از توانمندی های واقعی دانش آموزان می گردد (کاونا، ۲۰۱۷). این شفافیت در سنجش، پایه اصلی برای بازخوردهای اصلاحی معلم و بهبود کیفیت تدریس است (ایزدی، ۱۴۰۱).

نقش اصلاحات در شکوفایی استعدادها

یکی از یافته های کلیدی در منابع بین المللی، تأثیر مثبت اعمال اصلاحات ساختاری در آزمون ها بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با نیازهای ویژه است. اصلاحاتی نظیر استفاده از تصاویر پشتیبان، خواندن سوالات توسط معلم، یا افزایش زمان آزمون، به این دانش آموزان اجازه می دهد تا موانع فیزیکی و شناختی را دور زده و بر روی حل مسئله تمرکز کنند

(کنتر و همکاران، ۲۰۱۸). یافته‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری که از راهنماهای آزمایشگاهی و ابزارهای بصری استفاده کرده‌اند، در مفاهیم علوم رشدی هم‌تراز با همسالان عادی خود داشته‌اند (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). این موضوع ثابت می‌کند که ناتوانی در آزمون اغلب ناشی از طراحی ضعیف ابزار است، نه عدم توانایی یادگیرنده. در جدول زیر، تأثیر انواع اصلاحات بر دسترسی به محتوا و کیفیت یادگیری ارائه شده است.

جدول ۲: تأثیر اصلاحات سنجشی بر بهبود فرصت‌های یادگیری

نوع اصلاح	هدف پداگوژیک	تأثیر بر کیفیت آموزش
پشتیبانی بصری	کاهش بار زبانی و تسهیل درک صورت مسئله.	افزایش نمرات دانش‌آموزان دوزبانه در دروس پایه.
زمان منعطف	کاهش اضطراب و اجازه پردازش عمیق‌تر اطلاعات.	بهبود سلامت روان و دقت در پاسخگویی (ناطق و همکاران، ۱۳۹۰).
تغییر پاسخ‌دهی	اجازه دادن به دانش‌آموز برای ارائه پاسخ به صورت شفاهی یا تصویری.	کشف استعدادهای نهفته در دانش‌آموزان با اختلالات نوشتاری.
ساده‌سازی متنی	حذف جملات زاید و استفاده از کلمات پرکاربرد در سوالات.	افزایش استقلال دانش‌آموز در حین برگزاری آزمون.

یافته‌ها تأکید دارند که این اصلاحات نه تنها به دانش‌آموزان ضعیف، بلکه به تمامی دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با وضوح بیشتری با چالش‌های علمی روبرو شوند (کاونا، ۲۰۱۷). در واقع، طراحی دسترسی‌پذیر بخشی از حقوق کودک برای مشارکت در یادگیری است (کوری و همکاران، ۲۰۱۹).

بازخورد کلاسی و طراحی عادلانه؛ دو بال پیشرفت تحصیلی

یافته‌های پژوهشی در مدارس ابتدایی ایران نشان می‌دهند که بازخوردهای معلمان زمانی موثر واقع می‌شوند که بر پایه نتایج حاصل از آزمون‌های عادلانه و دقیق بنا شده باشند (ایزدی، ۱۴۰۱). اگر آزمونی به دلیل سوگیری زبانی، نمره پایینی برای دانش‌آموز ثبت کند، بازخورد معلم ممکن است به اشتباه بر روی "کم‌هوشی" تمرکز کند، در حالی که مشکل اصلی

"زبان" بوده است (سهرابی، ۱۴۰۱). بازخوردهای کیفی-توصیفی که به فرآیند حل مسئله توجه دارند، انگیزه دانش‌آموزان را برای جبران نقاط ضعف تقویت می‌کنند (فتحی، ۱۴۰۰). یافته‌ها نشان می‌دهند که ارائه بازخوردهای اصلاحی در کنار بازخوردهای رفتاری، منجر به بهبود ۳۰ درصدی در شاخص‌های پیشرفت تحصیلی می‌گردد (نگهداری و همکاران، ۱۴۰۱). در جدول زیر، رابطه میان نوع آزمون و کیفیت بازخورد ارائه شده توسط معلم تحلیل شده است.

جدول ۳: رابطه طراحی آزمون با کیفیت بازخورد آموزشی

نوع طراحی آزمون	ماهیت داده‌های تولید شده	کیفیت بازخورد معلم
سنتی (کمی)	نمره عددی و رتبه کلاسی.	کلیشه‌ای، مقایسه‌ای و کاهش‌دهنده انگیزه (ایزدی، ۱۴۰۱).
عادلانه (توصیفی)	توصیف دقیق فرآیند و شناسایی ریشه خطا.	اصلاحی، راهنما و تقویت‌کننده ذهنیت رشد.
عملکردی (تجربی)	مشاهده مهارت‌های عملی و تفکر خلاق.	مربی‌گری، حمایتی و معطوف به کاربرد دانش.
دسترسی‌پذیر	تفکیک دانش موضوعی از موانع محیطی.	دقیق، منصفانه و افزایش‌دهنده خودکارآمدی.

یافته‌ها حاکی از آن است که در سیستم‌های آموزشی با آزمون‌های مرکزی قوی (مانند فنلاند)، استقلال حرفه‌ای معلمان در ارائه بازخورد و طراحی سنجش‌های داخلی عادلانه، عاملی کلیدی در موفقیت آن‌هاست (کانگاس و هارجو-لوکاینن، ۲۰۲۱). این موضوع ضرورت توانمندسازی معلمان ایرانی را در زمینه سنجش‌های نوین دوجندان می‌کند (حسینی و کیامنش، ۱۳۸۷).

زیرساخت‌های آموزشی و عدالت در سنجش

یافته‌های حاصل از مطالعه مدارس در مناطق مختلف نشان می‌دهد که کمبود تسهیلات یادگیری، مانعی فیزیکی برای اجرای آزمون‌های عادلانه است. در مدارس مجهز به کیت‌های آزمایشگاهی و ابزارهای چندرسانه‌ای، معلمان قادرند آزمون‌هایی طراحی کنند که هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان را پوشش دهد (چپکونگا، ۲۰۱۷). یافته‌ها نشان می‌دهند که استفاده از راهنماهای تجربی در تدریس علوم، نه تنها یادگیری را عمیق می‌کند، بلکه فرصت عادلانه‌ای برای دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری فراهم می‌آورد تا از طریق "عمل" سنجیده شوند (ناس و همکاران، ۲۰۲۰). این موضوع نشان‌دهنده همبستگی مثبت میان "امکانات مدرسه" و "عدالت در سنجش" است.

در جدول زیر، نقش تسهیلات مدرسه در ارتقای فرصت‌های یادگیری و سنجش عادلانه بررسی شده است.

جدول ۴: تأثیر زیرساخت‌های مدرسه بر عدالت در سنجش

تسهیلات آموزشی	کاربرد در سنجش عادلانه	پیامد برای کیفیت آموزش
کیت‌های آزمایشگاهی	برگزاری آزمون‌های عملی به جای متنی.	تقویت تفکر استدلالی و کاهش وابستگی به حافظه.
تکنولوژی بصری	ارائه سوالات با کمک نمودار و فیلم.	افزایش دسترسی برای یادگیرندگان بصری و دوزبانه.
فضای آموزشی منعطف	امکان برگزاری ارزشیابی هم‌تا و گروهی.	رشد مهارت‌های مشارکت اجتماعی (کوریا و همکاران، ۲۰۱۹).
کتابخانه دیجیتال	دسترسی به منابع متنوع برای پروژه‌های سنجش.	پرورش روحیه تحقیق و یادگیری خودراهبر.

یافته‌های بین‌المللی تأکید دارند که کیفیت آموزش تنها در گرو برنامه درسی نیست، بلکه به چگونگی ارزیابی دینفعان از کیفیت و فراهم بودن بستر اجرای آن بستگی دارد (آبیدین، ۲۰۲۱). در ایران نیز، نقد نظام‌های سنجش نشان می‌دهد که باید به سمت تجهیز مدارس برای اجرای ارزشیابی‌های کیفی معتبر حرکت کرد (حسینی و کیامنش، ۱۳۸۷). بنابراین، طراحی آزمون عادلانه بدون تأمین زیرساخت‌های لازم، با چالش‌های اجرایی جدی روبرو خواهد بود که منجر به بازتولید نابرابری در میان دانش‌آموزان مناطق برخوردار و محروم می‌گردد (ووسمن، ۲۰۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به وضوح نشان داد که طراحی آزمون‌های عادلانه و دسترسی‌پذیر، نه یک فعالیت حاشیه‌ای، بلکه ستون فقرات تحقق عدالت آموزشی و ارتقای فرصت‌های یادگیری در مقطع ابتدایی است. نتایج حاصل از تحلیل منابع داخلی و بین‌المللی حاکی از آن است که آزمون‌های سنتی به دلیل سوگیری‌های زبانی، فرهنگی و فرمتی، در بسیاری از موارد مانع از بروز توانمندی‌های واقعی دانش‌آموزان می‌شوند و بدین ترتیب، کیفیت آموزش را تنزل می‌دهند. طراحی عادلانه با تکیه بر اصول جهانی سنجش، به ما اجازه می‌دهد تا "روایی" سنجش را تضمین کرده و اطمینان حاصل کنیم که آنچه

می‌سنجیم، دانش واقعی یادگیرنده است، نه محرومیت‌ها یا تفاوت‌های محیطی او. این رویکرد، پایه و اساس ارائه بازخوردهای اصلاحی دقیقی است که موتور محرک پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شوند.

یافته‌ها تأکید کردند که اعمال اصلاحات در آزمون‌ها، به ویژه برای دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری و دوزبانه، به معنای ارفاق یا ساده‌سازی نیست، بلکه به معنای هموار کردن مسیر دسترسی به دانش است. استفاده از پشتیبان‌های بصری، راهنماهای تجربی و زمان منعطف، محیطی را فراهم می‌آورد که در آن اضطراب کاهش یافته و سلامت روان دانش‌آموزان تضمین می‌گردد. این شرایط، زمینه‌ساز مشارکت فعال یادگیرندگان در فرآیند آموزش است، چرا که آن‌ها حس می‌کنند ابزار سنجش با توانایی‌های آن‌ها منصفانه برخورد می‌کند. در واقع، آزمون عادلانه، پیوند میان آموزش و ارزشیابی را مستحکم کرده و مدرسه را به کانون کشف استعدادها تبدیل می‌نماید.

از سوی دیگر، نقش تسهیلات و زیرساخت‌های آموزشی در اجرای سنجش‌های عادلانه بسیار حیاتی ارزیابی شد. بدون داشتن ابزارهای مناسب، معلم ناچار به استفاده از روش‌های صلب سنتی است که منجر به تضعیف فرصت‌های یادگیری در مناطق کم‌برخوردار می‌شود. همچنین، هویت حرفه‌ای و توانمندی‌های معلمان به عنوان طراحان اصلی سنجش کلاسی، باید از طریق آموزش‌های تخصصی تقویت شود تا آن‌ها بتوانند با اطمینان علمی، آزمون‌ها را برای نیازهای متنوع دانش‌آموزانشان اصلاح کنند. ارزشیابی توصیفی در ایران پتانسیل بالایی برای تحقق این اهداف دارد، مشروط بر اینکه از دام بروکراسی و گزارش‌نویسی‌های صوری رها شده و به سمت طراحی‌های فنی و عادلانه حرکت کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود فرصت‌های یادگیری در دوره ابتدایی مستلزم تغییری بنیادین در فلسفه و ابزارهای سنجش است. سیاست‌گذاران آموزشی باید با سرمایه‌گذاری بر روی طراحی آزمون‌های دسترسی‌پذیر و تجهیز مدارس، بستر لازم را برای معلمان فراهم آورند تا عدالت آموزشی از سطح اسناد بالادستی به کف کلاس‌های درس منتقل شود. آینده علمی کشور در گرو تربیت نسلی است که در سال‌های آغازین تحصیل، طعم منصفانه سنجیده شدن را چشیده و با بازخوردهای سازنده، به یادگیرندگانی مستقل و با اعتماد به نفس تبدیل شده باشند. طراحی آزمون عادلانه، ابزاری است که به ما اجازه می‌دهد تا صدای واقعی یادگیری را از تمامی دانش‌آموزان بشنویم و هیچ استعدادی را در پس دیوارهای بلند آزمون‌های ناعادلانه دفن نکنیم.

منابع

- ایزدی، محمدجواد، (۱۴۰۱)، نقش و چگونگی بازخورد های کلاسی و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، اولین کنفرانس ملی تازه های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.
- حسنی، محمد و کیامنش. (۱۳۸۷). نقد و بررسی نظام ارزیابی تحصیلی ایران از منظر ارزیابی نظام آموزشی. نوآوری های تحصیلی، ۸(۲)، ۷۵-۱۰۴.
- سهرابی، مدینه، (۱۴۰۱)، توانایی های یاددهی آموزش ابتدایی توسط معلمان ابتدایی و بازخورد آن بر مدرسه، اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پرورش.
- فتحی، محمدرضا. (۱۴۰۰). نقد بر نظام ارزیابی بدون نمره در دوره ابتدایی و ارائه راهکاری مناسب، مجله پویا در آموزش علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۱-۴۴.
- ناطقی، فائزه، سیفی، محمد، فیجانی، نفیسه. (۱۳۹۰). تاثیر ارزیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی و سلامت روان دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. دوماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت تحصیلی، ۳(۱۲)، ۱۲۹-۱۴۶.
- نگهداری، محمد و زارع، محمدرحمن و فاطمی نیا، ابوالفضل، (۱۴۰۱)، چگونگی بازخورد دادن معلم نسبت به تکالیف و رفتار های دانش آموزان ابتدایی، چهارمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
- Abidin, M. (۲۰۲۱). Stakeholders Evaluation on Educational Quality of Higher Education. *International Journal of Instruction*, ۱۴(۳), ۲۸۷-۳۰۸.
- Chepkonga, M. C. (۲۰۱۷). Influence of learning facilities on provision of quality education in early childhood development centres in Kenya. *International Journal of Education and Research*, ۵(۶), ۱۵-۲۶.
- Correia, N., Camilo, C., Aguiar, C., & Amaro, F. (۲۰۱۹). Children's right to participate in early childhood education settings: A systematic review. *Children and Youth Services Review*, ۱۰۰, ۷۶-۸۸.
- Kangas, J., & Harju-Luukkainen, H. (۲۰۲۱). What is the future of ECE teacher profession? Teacher's agency in Finland through the lenses of policy documents. *The Morning Watch: Educational and Social Analysis*, ۴۷(۱-Spring).
- Kavanaugh, M. (۲۰۱۷). Examining the impact of accommodations and universal design on test accessibility and validity (Doctoral dissertation, Boston College).
- Kettler, R. J., Elliott, S. N., Beddow, P. A., & Kurz, A. (۲۰۱۸). Accessible instruction and testing today. In *Handbook of accessible instruction and testing practices* (pp. ۱-۱۶). Springer, Cham.
- Nas, S. E., Akbulut, H. İ., Çalik, M., & Emir, M. İ. (۲۰۲۰). Facilitating conceptual growth of the mainstreamed students with learning disabilities via a science experimental guidebook: A case of physical events. *International Journal of Science and Mathematics Education*, ۲۰(۱), ۴۵-۶۷.
- Solano-Flores, G., Wang, C., Kachchaf, R., Soltero-Gonzalez, L., & Nguyen-Le, K. (۲۰۱۴). Developing testing accommodations for English language learners: Illustrations as visual supports for item accessibility. *Educational Assessment*, ۱۹(۴), ۲۶۷-۲۸۳.
- Woessmann, L. (۲۰۰۵). The effect heterogeneity of central examinations: evidence from TIMSS, TIMSS-Repeat and PISA. *Education Economics*, ۱۳(۲), ۱۴۳-۱۶۹.